

مقایسه نماز (نماز جماعت) با جبهه های هشت سال دفاع مقدس و

نقش آن در ایجاد و تقویت فرهنگ شهادت در جامعه

مجتبی کریمی کلیمانی(۱)؛ دکتر حسن شهرکی پور(۲)؛ حجت الاسلام سید محمد میرعمادی(۳)

(۱) معاون علمی پژوهشی بسیج صابیران

(۲) مدیر کل مطالعات و پژوهش شورای عالی ایثار و شهادت کشور

(۳) رئیس اداره عقیدتی و سیاسی صابیران

چکیده:

وجود نقاط مشترک در جهاد نظامی مسلمین، دفاع از مرز و بوم میهن اسلامی - حضور در جبهه های جنگ علیه باطل و دفاع مقدس - با فریضه الهی نماز (نماز جماعت) ، حضور در پیشگاه معبود، زمزمه دسته جمعی تشهد، خضوع یکپارچه، بندگی تام در محضر باری تعالی و نیز تاثیر این اتحاد در همه زمینه های جامعه از قبیل تعالی فردی و اجتماعی، پیشرفت فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که امروز به قدرت بازدارندگی جمهوری اسلامی تبدیل شده است از اهم مواردی است که در این مقاله به تبیین آن پرداخته می شود. یکی از دلایل موفقیت رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل و اینکه امروز پس از قریب به سه دهه هنوز استقلال کشور را مدیون آنها هستیم خصوصاً در جوانان امروز در قالب مدافعان حرم، وجود یک فرهنگ غنی است که به شهادت منجر گردیده که از هر تعلیم و تربیت دوران زندگی ایشان پررنگ تر بود و آن عشق به نماز و نماز جماعت است. چون ایشان درک کرده بودند که بعد از هر حرکت در نماز باید تفاوتی با قبل داشته باشند و عمل به تفسیر نماز آنها را از طریق شهادت جاودانه نمود. بطور مثال اگر در جبهه رزمنده ای مجروح می گردید رزمنده دیگری مثل کیبوتری سبک بال بی درنگ جای خالی او را پر می کرد. همانند نماز جماعت، همه نظم و ترتیب و انجام دادن حرکت را با نظر فرمانده انجام می دادند، درست مثل پیروی از امام جماعت. حال چه شد که نماز آنها را با شهادت جاودان نمود ولی برخی نمازها امروز بدون اثر شده است؟ جوانان ما چه نمازی بخوانند تا فرهنگ شهادت محفوظ بماند؟

واژگان کلیدی : نماز جماعت، فرهنگ شهادت، جبهه های حق علیه باطل، تفسیر نماز.

مقدمه:

از گذشته های دور تا امروز و در تمامی انواع پرستش ها ، عابد آگاهانه یا ناآگاهانه سه بعد از ستایش و پرستش را بجا آورده ، که هر کدام از این ابعاد نزدیک به رفتار او در هنگام جهاد است، که درک و رویت این شباهت ها و یا تاثیر آن عبادت و پرستش در نیت جهاد او و یا رفتاری جهادی اش ، قابل تامل است. در واقع فرد (مسلمان) ابتدا با همه وجود و با نیت خالص و با ذکر «الله اکبر» خود را در معرض باری تعالی قرار می دهد و یا همراه با یک گروه و با نشان دادن تبلور وحدت ، به معبود نزدیک می شود و سپس به سجده می افتد، شهید نیز با یک قصد پا را فراتر می نهد و در پیکار با دشمن و به معبود رسیدن به خاک می افتد. لذا پرداختن به ابعاد پرستش و طرح شباهت ها و تاثیرات آن با فلسفه جهاد و شهادت مسلمین و نگاهی به تمامی زوایای موضوع برای ادای حق همه کلمات و فلسفه حق و باطل، شهادت، نماز جماعت، ستایش و توصیه های بزرگان در ابعاد زیر مطرح می شود:

۱ - بعد معنوی و جنبه فطری بودن ستایش: که در آن بعد ستایش و پرستیدن و فطرت مطرح گردیده است.

۲ - بعد ظاهری : نقاط ظاهری مشترک نماز جماعت و رفتار رزمندگان در جبهه های حق علیه باطل را نشان داده است.

۳ - بعد باطنی و شعوری : که اهمیت حضور مسلمانان در جبهه های حق علیه باطل-فلسفه شهادت) و نماز جماعت را در برمی گیرد.

سوال پژوهش : نماز (نماز جماعت) چگونه و چه تاثیری بر ترویج فرهنگ ایثار و شهادت دارد؟

فرضیه پژوهش : پژوهشگران برای پاسخ دادن به سؤال پژوهش فرضیه زیر را ارائه داده اند:

برای رسیدن به پاسخ این فرضیه پژوهشگران ضمن استفاده از اسناد و مدارک معتبر، با مطالعه اولیه ادبیات نظری و تجزیه و تحلیل محتوایی و درک و تامل در تفسیر نماز و نماز جماعت و مقایسات انجام شده با ابعاد فطری، ظاهری، باطنی و شعوری شهادت و فلسفه شهادت به نتایج بی نظیری در این قیاس و اینکه نماز بهترین راه برای رسیدن به درجه شهادت است، رسیده اند.

روش تحقیق : مطالب ارائه شده در این مقاله با روش کتابخانه‌ای و مطالعه سراچه‌های اینترنتی جمع‌آوری و با درک و تامل پژوهشگران نهائی گردیده شده است.

پیشینه تحقیق : در خصوص نماز و نماز جماعت و شهادت و نیز جبهه های هشت سال دفاع مقدس مطالعات ، کتب و مقالات زیادی نوشته شده و همایش های زیادی برگزار گردیده اما نکاتی در این نوشتار تاکید شده که بی نظیر و نقطه قوت آن بحساب می آید شباهت های نماز جماعت و مامومین با جبهه های حق علیه باطل و رفتار رزمندگان و نیز اینکه نماز خواندن و شکل صحیح و به موقع بجا آوردن این فریضه (طبق تاریخ) می تواند منجر به کسب مقام والای شهادت و چه بسا شهادت های زیبا که قدرت بازدارندگی یک ملت را افزایش دهد، گردد.

اصل بحث:

۱- بعد معنوی و جنبه فطری بودن ستایش : از آنجائیکه در کتب و روایات زیادی مقوله ستایش بطور مفصل بحث شده، لذا در این مقاله درگاه مد نظر برای ورود به بحث خطوط مشترک و انگیزه حضور رزمندگان در جبهه و مسلمانان در نماز جماعت آمده است .

کارهایی را که انجام می دهیم ، اگر برای رضای خدا باشد، عبادت است، گرچه مانند کسب و کار، تحصیل علم ، ازدواج و یا خدمت به مردم ، برای رفع نیازهای خود یا جامعه باشد. آنچه

یک امر را عبادت می کند، آنست که با انگیزه ای مقدس انجام شود و به تعبیر قرآن رنگ خدایی صبغه الله داشته باشد. بعضی کارهای ما بر اساس عادت است و برخی بر پایه فطرت؛ آنچه عادت است هم می تواند با ارزش باشد، مثل عادت به ورزش و هم می تواند بی ارزش باشد، مانند عادت به سیگار. اما اگر امری فطری شد، یعنی بر اساس فطرت و سرشتِ پاکی که خداوند در نهاد هر بشری قرار داده انجام شد، همواره با ارزش است مانند پرستش و یا دفاع از زن و فرزند و ناموس و مرز و بوم و هم نوع. امتیاز فطرت بر عادت آنست که زمان و مکان، جنس و نژاد، سن و سال در آن تاثیری ندارد و هر انسانی از آن جهت که انسان است آن را دارا می باشد؛ مانند علاقه به فرزند که اختصاص به نسل و عصر خاصی ندارد و هر انسانی فرزندش را دوست می دارد. آنهایی هم که خدا را پرستش نمی کنند، یا مال و مقام یا همسر و فرزند، یا مدرک و مکتب و راه و روش خود را می پرستند و در راه آن تا مرز جانفشانی و دلباختگی پیش می روند و هستی خود را فدای معبودشان می سازند، نوعی پرستش دارند پرستش در انسان یک ریشه عمیق فطری دارد گرچه انسان خود از آن غافل باشد.

پرستش، عملی است که ما ظاهراً آن را یک نوع خضوع می بینیم، اما عمق زیادی دارد. پرستش برخاسته از جان است، برخاسته از معرفت است، برخاسته از توجه است، برخاسته از تقدس است، برخاسته از ستایش است، برخاسته از التجا و استعانت است، برخاسته از عشق به کمالات معبود است. آری، پرستش عملی است در ظاهر ساده، ولی تا مسائل فوق نباشد، آن پرستش از انسان سر نمی زند. پرستش یعنی دل کردن از مادیات و پرواز دادن روح و پا را فراتر از دیدنی ها و شنیدنی ها نهادن. پرستش تامین کننده عشق انسان هاست که گاهی با ثنا و ستایش و زمانی با تسبیح و تقدیس و پاره ای اوقات با شکر و اظهار تسلیم، ادب خود را نسبت به پروردگارش اظهار می دارد.

شاید در نگاه اول صحنه کشتار و خون ریزی جنگ در قبال نماز از زیبایی فلسفه نماز بکاهد اما وقتی که به حق بودن برسیم، به تسلیم در برابر معبود برسیم، به هدف برسیم، به دفاع

مقدس برسیم و در نهایت به شهادت برسیم، نماز نیز آدابی دارد، فرماندهی دارد، در پی حقانیت و ادای حقی است و برای جلوگیری و دفاع از گفتار و کرداری است، برای رسیدن به کمال و خلیفه الهی است به همین خاطر است که مسلمانان به جای جنگ دفاع دارند که بیشتر از جنگ برای دشمن رعب آور است. که این دفاع خود پرستش و ستایش معبود است. تصور کنید که چه زیبا بود اقدام رزمندگان در کربلای چهار همانند نمازها اول وقت و به موقع، که قدرت ما را نشان داد، که اتحاد ما را نشان داد، یعنی وقتی که فرمانده فرماندهان-خداوند متعال- صدا زد رزمندگان کربلای چهار دسته جمعی و با همدیگر مثل نماز جماعت پی شهادت رفتند. قیامی که تا امروز طول کشیده و خواهد کشید و خیلی از جوانهای امروز را با شهادتی دیگر آشنا کرد.

آری دفاع نظامی مسلمانان همانند نماز است چون علاوه بر مشترک بودن در یک فلسفه ویژگی های مشترک زیادی را دارند، چون دشمن را بدی را ناهنجاری را از پای در می آورد، چون بجا آورنده را ایمن می سازد، چون اجازه جسارت به حرم و حریم را به کسی نمی دهد، چون اقتصاد که عنصر صلابت یک کشور هست را به ارمغان می آورد، بدون کوچکترین خون ریزی، چون قدرت بازدارندگی دارد. چون ما را در گوشه گوشه شهر و خیابان به سوی علت شهادت سوق می دهد. هر چند بسیاری از رزمندگان نه از شهر نه از خیابان بلکه از یک گوشه خلوت، با یک قمقمه آب سرد مطهر شده، با کمی گلاب و نیت گفتند خدا بزرگتر است و همه دنیا را با دو دست به پشت سر خود انداختند و در تعظیم به عظمت خدا رسیدند و بعد از فهمیدن بزرگی خدا نتوانستند سر بلند کنند و به خاک افتادند تا بلند شوند، به خاک افتادند تا پرواز کنند تا به انبیاء و صالحین برسند.

۲ - بعد ظاهری:

نماز یعنی عبودیت که آثاری به شکل زیر دارد:

۱-۳ احساس غرور و افتخار

چه افتخاری از این بالاتر که انسان با خالق خود سخن بگوید و او کلام انسان را بشنود و بپذیرد! (تفسیر نماز، محسن قرائتی) همان حالتی که در اولین لحظه شهادت برای شهید رخ می دهد. لذا حس غرور و افتخار منجر به شهادت شده و در واقع شهادت و نماز در این نقطه هم مشترک هستند.

۲-۳ احساس قدرت

انسانی که متصل به خدا شد، در برابر ابرقدرت ها و طاغوت ها و مستکبرین احساس قدرت می کند. (تفسیر نماز، محسن قرائتی) این اوج لذت رزمندگان و شهدا بود خصوصاً که رهبری امام خمینی (ره) آن را پشتیبانی می نمود. پیر مردی که دنیا را تکان داده بود.

۳-۳ احساس عزت

عزت به معنی نفوذناپذیری است. کاری که شهدا با جان خود از برای میهن اسلامی انجام دادند. در مکتب انبیا تمام عزت ها از آن خداست، چنانکه همه قدرت ها از اوست. طبیعی است که اتصال به عزیز مطلق و قدرت بی نهایت، به انسان عزت می دهد. همان چیزی که مدام در ذهن شهید بود و برای آن اسم رمز یا فاطمه الزهرا گذاشته بود و پیشانی خود را با نام ایشان مزین نموده بود. چنانکه کلماتی همچون ((الله اکبر)) طاغوت ها را در نزد انسان حقیر و لرزه به جانشان می انداخت. وقتی که مسلمانان در جنگ خندق یعنی لحظاتی قبل از شهادت، مشغول کندن خندق بودند به سنگی برخورد کردند که تکبیر گوین آن را از پیش رو برداشتند.

لذا قرآن به ما دستور می دهد که در سختی ها و مشکلات از نماز و عبادت کسب قدرت و قوت کنیم: **وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ** (سوره بقره آیه ۴۵) خیلی از رزمندگان قبل از عملیات در کنار گوشه خاکریزها این کار را با دو رکعت نماز می کردند.

اولیای خدا نیز در مقاطع حسّاس ، خود را با نماز تقویت می کردند. عصر روز نهم محرّم در کربلا، لشکر یزید به خیمه گاه امام حسین علیه السلام حمله کرد. امام فرمودند: یک شب جنگ را به تاخیر بیندازید که من نماز را دوست دارم و می خواهم امشب را تا صبح به عبادت پردازم لذا برای امام شهدا شدن نیز نماز لازم است.

۴- عامل تربیت

گرچه نماز یک ارتباط روحی و معنوی است و هدف از آن یاد خداست ، اما اسلام خواسته این روح را در قالب یک سلسه برنامه های تربیتی پیاده کند(تفسیر نماز ، محسن قرائتی) و لذا شرایط زیادی را برای آن قرار داده است ، شرایط صحیح بودن نماز، شرایط قبولی و شرایط کمال ، مثل یک رزمند حرفه ای که با چشم بر هم زدنی آماده رزم می شود و دشمن را از پا در می آورد. یعنی از دامن نماز صحیح است که انسان به معراج می رود و شهد شیرین شهادت به او عرضه می شود.

پاک بودن بدن و لباس ، رو به قبله بودن ، قرائت درست کلمات ، مباح بودن مکان و لباس نمازگزار از شرایط صحّت نماز است که مربوط به جسم نمازگزار است ، همانند برخی از شهدا که بسیار به مرتب بودن لباس سربازی اهمیت می دادند.

در نماز به هر سو بایستیم رو به خداست ، زیرا قرآن می فرماید: **فَأَيُّنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ** اللّهِ (سوره بقره آیه ۱۱۵).

اما بخاطر آنکه بفهماند جامعه اسلامی باید یک جهت داشته باشد و درس وحدت و همبستگی بدهد، دستور می دهد همه به یک جهت بایستند. اما چرا آن جهت ، کعبه باشد؟ زیرا کعبه اولین نقطه ای است که برای عبادت مردم وضع شده است : **إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا** (سوره آل عمران آیه ۹۶)

و از طرفی بنیانگذار و تعمیرکنندگان آن در طول تاریخ ، انبیا بوده اند. پس رو به کعبه ایستادن یک نوع همبستگی مکتبی در طول زمان است . خلاصه آنکه قبله رمز استقلال ، وحدت و همبستگی است و اینها درسهای تربیتی نماز است . اینها را بارها در سخنان امام خمینی (ره) در روزهای اول جنگ دیده ایم که همه باید دشمن را بیرون برانند و حصر را بشکنند و همه باید در خدمت جبهه ها باشند و یک سمت و سو داشته باشند. اگر اینطور نبود آیا نتیجه هشت سال جنگ به نفع ما تمام می شد؟

۵- ولایت بر هستی!

از برکات نماز و عبادت آن است که انسان بتدریج و گام به گام بر هستی تسلط پیدا می کند. (تفسیر نماز ، محسن قرائتی) مثل برکات خون شهدا که استقلال و تمامیت ارضی امروز کشور را مدیون آنها هستیم و همه ما را به سمت خودشان کشانده اند چه شهدای صدر اسلام چه شهدای مدافع حرم. اگر نماز توسط رهبران الهی اقامه شود بساط ظلم و طاغوت را برهم می زند. نماز عید امام رضا علیه السلام آنچنان با هیبت و عظمت آغاز شد که حکومت ظالم بر خود لرزید و فهمید که اگر این نماز به پایان برسد حکومت بنی عباس نیز به پایان خواهد رسید. لذا مامون دستور داد که امام را از وسط راه بازگردانند. این خود یعنی مبارزه و مثل هر مبارزه دیگری شهادت در پی داشت.

انس شهدا با نماز ، در واقع از دامن نماز و به برکت نمازی هوشیارانه و با درک ظاهر و باطن آن خیلی از جوانان در مسیر شهادت قرار گرفتند. این فقط برای شهدای دهه اول و دوم

انقلاب نیست بلکه جوانانی که برای دفاع از حرم جان خود را دادند و یکبار دیگر فرهنگ ایثار و شهادت را ترویج نمودند. شهید سامانلو از مدافعان حرم، از نوجوانی اهل نماز شب بود، طبق گفته پدرشان در نوجوانی با گریه های نماز شب این شهید نیمه شب از خواب بیدار می شدیم. شهید همیشه می گفتند باید به عبودیت بندگی برسیم که نتیجه آن شهادت شد، چون اوج عبودیت هم در نماز تجلی می کند. (حجت الاسلام دنیادیده، عضو موسسه سیره روایت شهدا)

شهید خیراندیش، یکی از اطرافیان ایشان می گفت، یکروز به منزل ایشان رفتم با محمدرضا کار داشتم چند لحظه دیر در را باز کرد و گفت در منزل تنها هستم، داخل خانه که شدیم دیدم سجاده پهن است و ایشان روی کاغذ جدولی کشیده بودند تا یکبار دیگر نمازهای خود را با نیت قضا بخوانند تا با این نیت جزء شهدا قرار بگیرند، در مورد ایشان می گویند یک سحر شهید مدام گریه می کردند، علت را که جویا شدند، فرمودند به ۱۱ رکعت تا قبل از نماز صبح نرسیدم. و یا شهید دیگری که دستش قطع شده بود و بایستی برای عمل جراحی آماده می شد، اما جواب کسی را تا چند دقیقه نمی داد، بعداً فهمیدند که وقت اذان بود و ایشان می خواستند که قبل از رفتن به اتاق عمل، نماز اول وقت بخوانند. یا آن عزیزی که تعریف می کرد برای اولین بار وقتی وارد مسجد (نمازخانه) دوکوهه شدم همه در حال نماز بودند اما فرادا، پرسیدم، جواب دادند که همه نماز غفیله می خوانند. (حجت الاسلام دنیادیده، عضو موسسه سیره روایت شهدا). حضرت علی (ع) می فرماید: اگر خطایی از من سر بزند برای من اهمیتی ندارد چون اگر خدا مهلت دو رکعت نماز را به من بدهد غصه ندارم. پس اگر نماز، نماز باشد دو رکعت آن می تواند مثل شهادت نجاتبخش باشد امید به رحمت پروردگار نیز مثل شهادت است. شهدا نماز حقیقی خواندند که دل بستگی به دنیا نداشتند، نماز تمرین خضوع است و ما را سبک بال می کند تا راحتتر پرواز کنیم، مثل لباسی تجهیز شده رزمنده که برای اوج قدرت بعد از پیروزی و یا اوج کمال پس از شهادتش است. فردی در مسجد پس از

نماز دعا کرد خدای بهترین چیزت را به من بده ، پیامبر که این را شنید فرمودند: او شهید می شود.

۲-۱- سیمای مشترک عبادت و شهادت

عبادت و بندگی ، رسول خدا را به معراج بُرد: سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى (سوره الاسرا آیه ۱)

منزه است کسی که بنده اش را شبانه از مسجدالحرام به مسجدالاقصی سیر داد.

عبادت زمینه نزول فرشتگان را فراهم می کند: نَزَّلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا (سوره بقره آیه ۲۳) وحی (را) بواسطه فرشتگان (بر بنده مان نازل کردیم).

عبادت ، دعای انسان را مستجاب می کند، زیرا نماز پیمان خداست و هرکس به پیمان خدا وفا کند خداوند هم به پیمان او وفادار است : أَوْفُوا بِالْعَهْدِ أَوْفِ بِعَهْدِكُمْ (سوره بقره آیه ۴۰)

انسان بی عبادت ، از سنگ و جماد پست تر است ، زیرا قرآن می فرماید: وَإِنَّ مِنَ الْحِجَارَةِ لَمَا يَهْبِطُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ (سوره بقره آیه ۷۴) بعضی از سنگها از خشیت الهی به زمین سقوط می کنند، اما بعضی انسان ها در برابر سرچشمه و خالق هستی گردن خم نمی کنند.

عبادت نشانه اراده و شخصیت انسان است . انسانی که در میان غرائز و تمایلات قرار دارد، اگر دل بکند و بسوی خدا برود ارزش دارد وگرنه فرشتگانی که شهوت و غضب ندارند، دائماً در حال عبادت اند. (تفسیر نماز ، محسن قرائتی)

عبادت و شهادت گمنام ترین انسان زمینی را مشهورترین فرد آسمان می کند.

عبادت و شهادت جزیره کوچک انسان را به سرچشمه هستی وصل می کند.

عبادت و شهادت یعنی نگاهی از بالا به تمام هستی.

عبادت و شهادت یعنی شکوفاکردن استعداد های عرفانی و معنوی نهفته در وجود انسان.

عبادت و شهادت ارزشی است که انسان با اراده و اختیار خود بدست می آورد بر خلاف ارزشهای خانوادگی یا استعداد های درونی که اختیاری و اکتسابی نیستند.

عبادت و شهادت تجدید عهد و پیمان با خدا و تازه نگه داشتن حیات معنوی است.

عبادت و شهادت مانع گناه و برطرف کننده آثار آنست. ذکر و یاد خداست که جلوی گناه را می گیرد نه علم به گناه بودن.

عبادت و شهادت پرکردن ظرف روح است با یاد خدا، که اگر با غیر او پر شود ظلم به گوهر انسانیست.

عبادت و شهادت به زمین خاکی چنان ارزشی می دهد که ورود به آن زمین بدون طهارت ممکن نباشد، همچون مسجد و کعبه و قدس.

عبادت و شهادت، خود یک ارزش است، گرچه دعاها و خواسته های ما مستجاب نشود.

عبادت و شهادت هم در شادی مطرح است هم در غم. آنجا که خداوند به پیامبرش کوثر می دهد سفارش به نماز می کند:

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فَصَلِّ لِرَبِّكَ (سوره کوثر آیه ۱ و ۲) ما به تو خیر کثیر عطا کردیم، پس برای پروردگارت نماز بجای آر.

در نماز هرچه هست تحرک است، در هر صبح و شام، در رکوع و سجود و قیام، حرکت در رفتن به مسجد و مصلی، پس ساکن و ساکت و گوشه گیر نباش، بلکه همواره در تلاش و حرکت باش، البته در جهت خداوند و بسوی او.

در نماز روح و جان انسان غبارروبی می شود، نماز، غبار غرور و تکبر را می ریزد، چون هر شبانه روز دهها بار بلندترین نقطه بدن را به خاک می مالد و سجده بر خاک بهتر از سنگ است که تذلل در به خاک مالیدن است.

در بخشی از تفسیر سوره حمد که غیر خدا را فراموش می کنیم، خود را در سایه لطف خدا می بینیم، به قیامت و مرگ فکر می کنیم، شهرت و خودخواهی را کنار می گذاریم و تنها از او یاری می خواهیم و همه اینها را انجام می دهیم تا جزء خوبان باشیم نه مغضوبین و از باطل بیزاری می جوئیم، برای همین ها هم رزمندگان دیروز و مدافعان حرم امروز به جبهه رفتند.

شهادت که نتیجه سلامت روان، روحیه شجاعت و انتخاب آگاهانه است، مقاومت و پویایی جامعه را به دنبال دارد، چرا که ریشه در قدرت، قوت، صبر، استقامت، مبارزه با کفر، انسجام، آخرت خواهی و ظرفیت بالا دارد و این عوامل در مجموع، مقاومت جامعه را بالا برده و اجتماعی را متحرک و پویا و سازنده می سازد. شهیدان، مقاومت و پویایی جامعه را تضمین می نمایند و به جامعه ظرفیت روحی می بخشند و ضعف و سستی را از بین می برند و هر جامعه ای که افراد آن این گونه باشند، مشمول رحمت و نصرت خداوند هستند، و دیگر شکست نخواهند خورد که: ان ینصرکم الله فلا غالب لکم (سوره آل عمران آیه ۱۶۰) اگر خدا یاریتان کرد، دیگر کسی بر شما غلبه نمی کند.» همانند نماز و نماز جماعت که با وجود هر فرد و با جسم جامعه این کار را انجام می دهد.

آیا سرنوشت رزمندگان قدیمی را الان می دانید آنها که با خلوص پا جلو گذاشتن آنها که فقدان نفر جلویی را پر می کردند. در رزم جنگ هر کس می تواند به محض متوجه شدن

علائم گازه‌های شیمیایی ماسک بزند اما هیچ کس اجازه ندارد بدون دستور فرمانده ماسک را از صورت بردارد پیشروی کند و یا تیراندازی نماید این مثل حالات و هماهنگی با امام جماعت نیست؟ یکی دیگر از ویژگی های مشترک جبهه و نماز ایجاد و شکل گرفتن یک نیروی بسیار قوی می باشد. کسانی که صفوف جلوتر را با اشتیاق پر می کنند تا به خط مقدم برسند که این از دور قدرت رزمندگان را نشان می دهد.

آیا تا کنون فکر نموده اید که چرا هنگام اذان حال و هوای دیگری در طبیعت است؟ طبیعت یعنی بیش از یک موجود، همانند اجتماع انسانها در هنگام اذان و نماز جماعت. نماز و دفاع هم تبلیغ است و هم مبارزه، نماز جماعت اوج تبلیغ و مبارزه است، هم در فلسفه نماز و هم در فلسفه دفاع (از معبود) می خواهیم تا چنان شویم و چنین شویم. همانطور که روح عبادت در فطرت نهادینه است، عشق به وطن دفاع از مرز و بوم و زن و فرزند و هم نوع نیز در فطرت انسان است. حس خوب کنار هم بودن رزمندگان همانند حس خوب و اطمینان در نماز جماعت است حداقل بخاطر اینکه احتمال خطا در نماز فردا بیشتر از نماز جماعت است همانگونه که رزمندگان یک تیپ فراخ بازتری نسبت به یک دسته دارند و از اقدام خود مطمئن ترند. در آیات ۴۳ سوره بقره، ۴۳ آل عمران و ۲۹ اعراف تاکید بر انجام نماز جماعت شده است همانند جهاد فی سبیل... هرگام که برای نماز جماعت و جهاد برداشته می شود هفتاد هزار ثواب نوشته می شود. از اهداف نماز جماعت می توان به آشکار سازی یک نماد یک اتحاد اشاره نمود و با تکرار آن، این اهداف را مستمر ساخت. تعداد زیادی در پی شهادتین زبانی در نماز جماعت هستند همان اتفاقی که در فکه افتاد و جلوی استبداد و ستمگری تعداد زیادی از رزمندگان با هم شهادتین خواندن و تا آخرین الله اکبر نفس زدند.

عدم حضور در نماز جماعت تنها یک ضعف اعتقادی نیست بلکه جمیع دلایلی از قبیل تنبلی و اولویت قرار ندادن علت این موضوع است. لذا در اجرای نماز جماعت و جهاد عاملین داوطلب و غیر داوطلب (از کارگریز) شناخته می شوند. در واقع نظم، اعتماد، اعتقاد، پشتکار،

پایکار بودن افراد شرکت کننده در نماز جماعت بیش از سایرین است، دقیقاً خصوصیات رزمندگان در جبهه و جنگ همین بود مثل شهید تهرانی مقدم.

نماز جماعت گناهان را مثل برگ درختان می ریزد و گردن انسان را از ریسمان گناه آزاد می کند، همانطور که که رهائی از دشمنان مرز و بوم چنین ارمغانی به بار می آورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل می فرماید که : نماز همچون جوی آبی است که انسان روزی پنج مرتبه خود را در آن شستشو دهد، آیا دیگر آلودگی باقی می ماند؟ و چه بهتر که این تطهیر شامل حال خیلی ها شود. هر چه جامعه منزهتر و مطهرتر باشد یعنی با آغوش باز به سراغ شهادت و فرهنگ ایثار می رود.

نماز، برنامه هر صبح و شام است بهنگام صبح اولین کلام واجب نماز و بهنگام شام آخرین واجب ، نماز است . پس آغاز و انجام هر روزت با یاد خدا و برای خدا است. آمده است که ضمانت نماز جماعت بیش از یک روز برای نمازگزار است. مثل اینکه با تعداد بیشتری به جنگ دشمن برویم و وجود و سلامت و استقلال خود را برای مدت زیادی بیمه کنیم، یعنی هر وقت از فرهنگ ایثار و شهادت فاصله بگیریم به تاریخ انقضای خود نزدیک می شویم. نماز جماعت در سفر یا وطن ، در زمین یا هوا، در فقر یا غنی ، رمز آنست که در هر کجا هستی و هر که هستی مطیع او باشی نه غیر او، همانند فعالیت در جبهه و جنگ و در هر کجا که باشی ، خط مقدم و یا ایستگاه صلواتی تویک رزمنده و یک شهید زنده هستی. فرمایش حضرت آقا امام خامنه ای عزیز تداعی می شود که «در هر جای نیروهای مسلح که خدمت می کنید مطیع فرمان خدا هستید و این را خدا برای شما یک حسنه می نویسد .» نماز جماعت، ایدئولوژی عملی مسلمانان است که در آن عقائد و افکار و خواسته ها و الگوهای خود را بیان می کنند، همانند دفاع که همه توان و عقائد و افکار و خواسته ها و الگوهای خود مسلمانان بکار می بندند بدون آنکه خودشان شروع کننده جنگ باشند.

نماز جماعت، استحکام بخشیدن به ارزشها و جلوگیری از فروپاشی شخصیت اعضای جامعه است که اگر مصالح ساختمان سست باشد ساختمان فرو می ریزد، همانطور که کیفیت یک دسته و گروهان و گردان و لشکر در موفقیت در رزم و جلوگیری از نفوذ مفید است. اصلاً نماز جماعت یک توفیق است تا با یک جماعت در ذکرها شریک باشیم. خیلی ها حس بجا آوردن ادعیه ها و نوحه ها را به تنهایی ندارند و یا نمی توانند گریه کنند اما در نماز جماعت مشابه جبهه ها این اتفاق می افتد.

اذان نماز، شیپور توحید است که سپاه متفرق اسلام را در یک صف و زیر یک پرچم فرا می خواند و آنان را پشت سر امامی عادل قرار می دهد. امام جماعت باید مراعات ضعیف ترین مردم را بکند همانند فرمانده که باید مراقب باشد تا ضعیفترین رزمنده تا رزمنده ای که تجهیزات سنگینی دارد جا نماند. پیامبر خدا بهنگام نماز صدای گریه طفلی را شنید نماز جماعت را به سرعت تمام کرد تا اگر مادر طفل در نماز شرکت کرده کودکش را آرام کند. مثل فرمانده ای که از مشکلات زیاد رزمنده مطلع بود و به بهانه ای او را از انجام عملیات معاف می نمود تا به خانواده برگردد.

آری ایمان و تلاش انسان، او را به ستایش و خضوع در پیشگاه معبود وا می دارد، چرا که انما یخشی الله من عباده العلماء (سوره فاطر آیه ۲۸) و غفلت و قرابت با خوی حیوای و پیروی از هوای نفس وی را از پرستش در برابر الله باز می دارد، زیرا اولئک کالانعام بل هم اضل اولئک هم الغافلون (سوره اعراف آیه ۱۷۹) بر ماست نسل برگزیده را هر چه بیشتر با معارفی که از راسخان در علم و شکافندگان دانش به یادگار مانده است مخصوصاً پایه ی معرفت دینی «نماز و نماز جماعت» آشنا نماییم، و تفسیر نماز را درک نمائیم چون نماز واقعی ما را به کمال و شهادت می رساند.

اشتیاق و عجله برای نماز جماعت بیش از نماز فرادا است این را می توان از حرکات مامومین هنگام شنیدن اذان دید، مثل اشتیاق نوجوانان، جوانان، مردها و زنان برای خدمت در جبهه های حق علیه باطل، مگر ندیده اید که چگونه آستین بالا می زدند تا دور یک شیر آب یا حوض وضو بگیرند مثل رزمندگان که چه نقشه هایی می کشند تا خودشان را به حوض دوکوهه برسانند. گذشته از آن دیده اید که چه عجله ای می کنند تا خود را به تکبیره الاحرام امام جماعت برسانند مانند اثر شهید آوینی که همه تلاش می کردند خودشان را به اولین خودرو که به سمت اهواز و از آنجا به خط مقدم حرکت می کرد برسانند، درضمن آنهایی هم که جا می ماندند باید زمان زیادی را منتظر می بودند تا به لباس نامناسب و اسلحه کهنه تر دست پیدا کنند، مثل مامومینی که بدلیل تاخیر در رکعت و دوم و چهارم نیمه نشسته اند. یکی دیگر از عواقب تاخیر این است که هر جا نماز جماعت نمی توان ورود کرد، در جبهه همینطور است کسی که تاخیر داشته باشد نمی تواند هر جایی خدمت کند، خط مقدم، پشت صحنه، یگان زرهی و یا پیاده نظام و... اول باید آموزش ببیند و صبر کند.

شهید کاظمی پس از جنگ تحمیلی و دفاع مقدس مدام خود را بی وفا می نامید، مدام ناراحت بود که من نرسیدم شهید نشدم، آیا دیده اید که برخی از مامومین ضمن سعی کردن اما به رکوع اول نمی رسند و مجبور می شوند در رکعت بعدی بپیوندند؟ و آن نماز آنگونه که باید برایشان لذت ندارد. اما جای نگرانی نیست چون مثل شهید کاظمی، شهید صیاد شیرازی، شهید همدانی و خیل زیادی از جانبازان عزیز، بعداً به هدف می رسند.

شهادت هنر است، نماز کامل و صحیح خواندن هم هنر است و سعادت می خواهد. شهیدان گمنام نیز در این قیاس نقش دارند ایشان مانند کسانی هستند که در صفوفهای آخر و دور از چشم فرماندهان و مدیران می نشینند و کسی آنها را نمی شناسد، اما روزی همه را غافلگیر می کنند و خانواده خودشان را امیدوار و خوشحال. که مصداق بیت زیر است:

ما مدعیان صف اول بودیم

از آخر مجلس شهدا را چیدند

این فرق شیعه (پیروان) است که نماز آنها ویژگی های فوق و دفاع آنها هم مصادیق فوق را دارد.

۳- بعد باطنی و شعوری: پیامبر اکرم (ص) فرموده اند: کسی که نماز صبح را به جماعت بخواند، بهتر است از آن که تمام شب را به عبادت بگذراند.

همچنین ایشان فرموده اند: اگر تعداد نمازگزاران صفوف جماعت از ۱۰ نفر فراتر رود، پاداش هر رکعت آن چنان افزون می شود، که حتی اگر تمام آسمانها کاغذ، تمام دریاها مرکب و همه درختان قلم گردند و تمام و تمام فرشتگان مامور نوشتن آن پاداش آن، نمی توان ثواب آن را ثبت کرد. که این کار تنها در خور محاسبه ی ذات بیکران الهی است.

رسول اکرم (ص) همچنین فرموده اند: یک نماز جماعت بهتر است از چهل سال نماز در خانه. (پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی)

در جای دیگری ایشان فرموده اند: هر کس همواره و در هر شرایطی به نماز جماعت برود، از پل صراط همچون برق بگذرد و به بهشت نایل شود.

مردی نابینا از حضرت رسول پرسید: من توان پیمودن مسیر بین منزل تا مسجد را ندارم و راهنما و مددکاری هم ندارم. حضرت پاسخ دادند: طنابی از مسجد تا منزلت بکش و بوسیله آن راه را پیدا کن اما هرگز نماز جماعت را ترک نکن. (تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۲۶۶)

همه این نکات در مورد شهادت و نیز فلسفه شهادت و عزت شهید نیز مصداق دارند چرا که درک و کسب از نماز یک فرد به مقام شهادت می رسد و جایگاهش عوض می گردد همانطور که پیامبر اکرم (ص) می فرمایند: خداوند برای شهیدان هفت خصلت مقرر کرده است (پرتوی از اسرار نماز، محسن قرائتی):

۱. با نخستین قطره خونی که از خون او ریخته می شود، تمام گناهان او مورد عفو قرار می گیرد.
 ۲. سرش در کنار دو حور از حوریان بهشتی قرار می گیرد و آنها غبار از چهره شهید پاک می کنند و به او خوش آمد می گویند. او هم متقابلاً به همسران بهشتی خود مرحبا می گوید.
 ۳. از لباسهای بهشتی بر اندامش می پوشانند.
 ۴. پذیرایی کنندگان بهشتیانی که وارد بهشت می شوند، با عطرهاى بهشتی، او را عطرآگین می کنند.
 ۵. جایگاه خود را، در بهشت می بیند.
 ۶. به روحش گفته می شود، در هر کجای بهشت که می خواهی استراحت کن.
 ۷. به وجه الله نظر می کند، و این موضوع رضایت و خشنودی برای هر پیامبر و شهیدی است.
- به شهادت «فوز عظیم» گفته شده است، چرا که شهید با شهادت خود به هدف نهایی که لقاء پروردگار و مقام در جوار (عند ربهم) باشد، رسیده است. و در این مسابقه نهایی، پیروز شده و بعد از مسابقه نهائی دیگر آزمایشی نیست.
- شهادت در مکتب قرآن و تشیع همانند نماز دارای ارکانی به قرار زیر است (سایت برمدار بیست کهکشان [شهید نامه بیست شهید شهر آبدان و حومه]) لذا عبور از ارکان نماز ما را به ارکان شهادت نزدیکتر می نماید:
- ۱- داشتن ایمان به خدا، پیامبر و ائمه راستین معصوم اسلام.

۲- گزینش آگاهانه.

۳- گوش به فرمان خدا و رسول خدا بودن

۴- انگیزه راه خدا قرار دادن.

۵ - ایثارگری برای خشنودی خدا و رسیدن به رضوان و قرب او.

۶- برای اعلاء کلمه حق و ریشه کن نمودن باطل پیکار کردن.

۷- در معیت خدا و اولیاء خدا بودن.

در تفکر شیعی، برترین کامیابی، بزرگترین پیروزی، والاترین مقام، بالاترین امتیاز، عظیم ترین فوز، نیکوترین نیکی، رفیع ترین مرتبت و عالی ترین رتبت و گرانبمایه ترین درجه، رسیدن به فیض عظمای شهادت است و برای شهید، گرانبهاترین اوقات و شکوهمندترین لحظه ها و زیباترین زمانها، ساعتی است که پیروزمندانه به دست دشمنان پست به مرگ شرافتمندانه نائل گردد (مانند زمانی که سر به سجده داریم) و جام شهادت را به لب گرفته و آن را به بهای جان خریداری می نماید.

مقام عند ربهم، عالی ترین مقام انسانی است و به عبارت دیگر کمال نهائی انسان است که هیچ حائلی میان انسان و خدا، وجود ندارد همانند اوقات نماز. در واقع اتصال به مقام ربوبی و لقاء الهی و نهایت کمال انسان است. چه جایگاه و منزلگاهی از آن بالاتر، که عاشق را در جوار معشوق جای دهند و این، همان چیزی است که انسانها حقیقتاً در جستجوی آن هستند تا با خدای خود گفتگو کند یعنی نماز بخواند.

شهادت از برترین واژه های فرهنگ اسلامی و از مقدس ترین مفاهیم معارف الهی است، شهادت اوج کمال انسان است، آنگاه که انسان تمام هستی خود را یکجا نثار معبود می کند و

قطره وجودش به دریای بیکران هستی مطلق می پیوندد. (سایت شهدا ۵۷) همانطور که نماز نیز از برترین واژه های فرهنگ اسلامی و از مقدس ترین مفاهیم الهی است همانطور که شهدا اول نماز خواندن را آموخ، اول برای نماز نیت نمود بعد سر به سجده آورد. و اما انگیزه های شهادت طلبی که مماس و موازی با انگیزه های نماز است پس از آنجائیکه ما اول نماز می خوانم بعد شهید راه خدا می شویم می توان استنباط نمود که این نماز است که با انگیزه هایی مشترک با شهادت، به شهادت منجر می شود:

۱. رسیدن به تکامل و جاودانگی.
۲. معامله سودمند با خداوند (تقدیم جان در برابر بهشت).
۳. اطاعت از خدا و رسول و اولی الامر.
۴. کمک به مستضعفین و برپایی عدالت و آزادی و رفع ظلم و فتنه.
۵. رسیدن به مقام والای شهادت که بالاترین نیکوییهاست.
۶. پالایش روح و آمرزش گناهان و نظر به وجه الله و پیوستن به لقاء الله و تقریب الی الله.
۷. امر به معروف و نهی از منکر و احیاء و اشاعه سنتهای الهی و قبول در امتحان الهی و ذلت ناپذیری و ایثار در راه ارزشهای متعالی.
۸. الگو سازی برای جامعه از طریق حماسه آفرینی و تحریک عواطف و احساسات برای ترویج حق طلبی و انجام مسئولیت اجتماعی و حساسیت در مقابل سرنوشت جامعه.
۹. تزریق خون تازه به پیکر اجتماع و تقویت روحیه انقلابی در آحاد مردم.
۱۰. انتخاب بهترین و هنرمندترین و زیباترین نوع مردن.

۱۱. حضور در صحنه جهاد فی سبیل الله که بستر شهادت طلبی است و ادای تکلیف.

۱۲. سیر و سلوک معنوی و طی طریق در آخرین و والاترین مراحل عرفانی و فنای فی الله و اثبات عشق حقیقی به معشوق.

عاشورا و فرهنگ شهادت

روز عاشورا، روز حماسه و شجاعت و دلاوری و ابتلا و آزمایش بزرگ الهی و روز فداکاری و عزت و شرف کیان اسلام و روز جانبازی و از خود گذشتگی و ایثار است، روز پیروزی خون بر شمشیر است و این وقتی به اوج خود می رسد امام حسین (ع) با اصحاب مشغول نماز بودند و دشمن به آنها حمله ور شد، چه بسا بخاطر این حمله همگام نماز بود که دیگر عمر سعد ملعون از حرکت و لجبازی خود کوتاه نیامد، چون آنها را در بهرین لحظه تهدید کرده بود دیگر قصد مجال را به امام (ع) نداد و اگر امام (ع) و یارانش اهل نماز نبودند، در کربلا نبودند و اگر در کربلا نبودند شهید نبودند. عاشورا، درس شهادت را به همه نسلها و آیندگان تا روز قیامت آموخت و فهماند که برای امور دینی و مادی نباید دست از حق و اسلام و قرآن و ایمان و نماز شست و تسلیم شد و باید ایستاد و مقابله کرد، ولو اینکه به قیمت جان خود و یاران و خانواده تمام شود. مهم آن است که ذلت و سرسپردگی و بندگی غیر از خدا را نپذیریم، بنده استبداد و استعمار و استکبار نگردیم. امام درس تسلیم نشدن را به ما آموخت. عاشورا روز شهادت است، روز افتادن سرها از تن ها، روز جدایی حق از باطل، روز مواجهه اسلام با کفر است، روز نماز، روز نماز جماعت، اخلاق و ضد اخلاق، روز بایدها و نبایدها، روز هنجارها و ناهنجارها، روز ایمان و الحاد و کفر است. عاشورا فرهنگ است چونشب عاشورا، امام حسین علیه السلام هم مناجات می کرد و هم شمشیر تیز می کرد!

اسلام چنین افرادی را تربیت کرد که شهادت را بر اسارت و ذلت رجحان دادند و پای فشرده و اسلام را نجات دادند و ما امروز شاهد این رشادت ها و دلاوری ها که از سالار شهیدان و یاران نیکوکار و فداکار او درس و عبرت گرفته اند، هستیم، و این فرهنگ نماز عاشورا است که چنین انسانهایی نیک صفت و دلیر و بی باک، تحویل جامعه داده است و ما مدیون روز عاشورا هستیم. ایثار و شهادت، درسی است که تا زمین از لوٹ وجود ظالمان پاک نشده، از مکتب عاشورا استنتاج می گردد.

یکی دیگر از ویژگی های مشترک نماز جماعت و جهاد در راه خدا این است که مسلمانان و رزمندگان با یکدیگر آشنا می شوند که سنگ بنای یک دوستی و هم افزایی در آینده می تواند باشد. شروع این دوستی از جا دادن با زحمت بین صفوف و دست دادن بعد از هر فریضه در نماز جماعت و یا بعد از هر وقت کاری و عملیاتی در جهاد فی سبیل الله است. حضور در جبهه های حق علیه باطل و جهاد در راه خدا فرد را بین سایرین عزیز و راستگو تجلی می دهد و دیگران نسبت به وی خوش بین هستند همانطور که امام صادق می فرمایند: هر کس نمازهای خود را به جماعت می خواند به او خوش بین باشید و شهادت او را درباره ی دیگران بپذیرید.

آنهایی که نماز جماعت میخوانند، افراد عملیاتی و برنامه ریزی هستند یعنی برای انجام یک موضوع در یک زمانی و با آمادگی قبلی و تمرین هماهنگی از خانه بیرون می آیند. مثل شهدا و رزمندگان که انسانهایی مدیر، اجرایی و برنامه ریز بودند که توانستند دل را به دریا بزدند. اگر بنا بر شناخت افراد در تقوا و ایمان و اعتقاد و اتحاد برای نیل به یک خواسته باشد و نماز جماعت در زندگی آنها نقش کمرنگی داشته باشد از پارامتر مهم حضور در صحنه محروم است، بطوریکه پیامبر اکرم (ص) می فرمایند اگر کسی اهل مسجد و نماز جماعت نیست و در باره وی از شما سوال شد، بگویید که وی را نمی شناسید.

اگر مردم بدانند که دفاع از اسلام و نظام اسلامی چه ارزشی دارد هر لحظه برای جان فشانی تلاش می کنند و همه سعی دارند تا خود را به خط مقدم برسانند دین خود را به اسلام ادا نمایند ، تا فدای سایرین شوند و ایثار معنی پیدا کند، تا بقیه آماده شوند، تا تیم شکل بگیرد، تا توشه ای برای آخرت خود ذخیره نمایند و با اشرف الموت از دنیا بروند. درست مثل اینکه مصداق شمشیر کشیدن برای نماز خواندن در صف اول نماز جماعت می اندازد.

جاودانگی نماز جماعت برای نماز گذار، حماسه است، اجر و قرب است، قداست است، شفاعت است، همانند حماسه و اجر قرب و قداست و شفاعت رزمندگان شهدا در جبهه.

در یک مورد شباهت شهادت و حضور در جبهه با نماز جماعت کمرنگ می شود و آن این است که در شهادت و حضور در جبهه رزمنده با خدا معامله می کند، که خریدار حضرت باری تعالی است و فروشنده انسان مجاهد و کالا جان رزمنده است بهای آن بهشت. در واقع مالک اصلی و اولی جان ما که امانتی دست ما داده بود را پس می گیرد، اما با پاداش بالایی امانت خود را می برد. در نماز جماعت فروشنده خداست و خریدار و دریافت کننده انسان و کالای این معامله خیر و برکت ، موفقیت، سلامت و آبرومندی ای است که نمازگزار دریافت می کند.

شهید همانند نماز گزار واقعی است که تحت هیچ شرایطی نماز را تک نکرده و هر بار که مجروح می شد بیشتر شوق رفتن داشت- مثل خیلی از شهدا و جانبازان - شهید در عقبی از پاکي محض بهره مند است همه گناهان او بخشیده شده و از آنچه جایگاهی برخوردار است که آرزو می کند برگردد و دوباره و چند باره شهید شود و یا صفوف نماز جماعت را پر نماید. در برتری مومنان نسبت به یکدیگر در آخرت برتری ظرافتکاری ها مطرح است -مثل فلسفه طبقات بهشت- که مهمترین آنها حضور در جهاد فی سبیل ... و نماز جماعت می تواند باشد و مستحبات در اولویت های بعدی.

کارها به واسطه انگیزه ها ارزش پیدا می کند و با انگیزه ها سنجیده می شوند. فرق مادی یا معنوی بودن یک کار، در تفاوت نیت ها و هدف هاست. نیت خالص آن است که انسان فقط برای خدا کار کند و در عمق جانش هدفی جز او و رضای او نداشته و از مردم انتظار تشکر یا پاداش نداشته باشد. خلوص نیت رزمندگان و شهدا وجه مشترک دیگر بین خلوص نیت رزمندگان و شهدا وجه مشترک دیگر بین نماز گزاران نماز جماعت است، به هر میزان که موجود باشد.

در پایان کار به شیرینی آزادی از اسارت دشمن و دنیا ختم می شود، اسارتی که برای دشمن زهر و برای ماحلوات بود، چون نماد عزت، ایمان، مقاومت، وطن پرستی، صبر، عشق به رهبری امام زمان و ولایت فقیه و امید به پیروزی حق علیه باطل بود. همانند سلام که در پایان نماز جماعت گرچه اتمام صحبت با معبود است و مومن را دلگیر می کند اما آرامشی نیز به او دست می دهد تا با برداشت میوه نماز جماعت و با بدرقه فرشتگان به ادامه زندگی و کسب روزی بپردازد.

برای مومن واقعی هنگامی که قرآن نمی خواند (خدا با او سخن نمی گوید) و هنگامی که نماز نمی خواند (خود با خدای خود سخن نمی گوید) در اسارت است. چه شیرین است که همانند طبیعت این آزادگی به شکل دسته جمعی باشد. خوش بحال آنان که هم رزمنده بودند و هم نماز جماعتی، ما الان از یک نعمت بهره مندیم تا این نعمت (نماز جماعت) را در خود تقویت نکنیم نمی توانیم در صفوف رزمندگان حضور یابیم و در جهاد کوچ شرکت کنیم. چون نفس مان دیگر فرمانبردار نیست.

نتیجه گیری:

از قصد و نیت نماز گزار و رزمنده ای که عازم جبهه های جهاد است و از مخاطب قراردادن فرمانده و مطیع بودن، تا سر به سجده گذاشتن و سلام دادن نماز گزار بسیار شبیه به هم بوده

و هدفشان هم نزدیک به هم می باشد. اطلاع از تفسیر نماز و خود را مقید به انجام دادن درست نماز چه به لحاظ ظاهری و چه باطنی و تلاش برای انجام نمازهای مستحب، در فرد روحیه ای ایجاد می نماید که به شهادت ختم می شود همانطور که شهید زین الدین به عنوان یک فرمانده در کارهای خدماتی یگان مشارکت داشتند و یا شهید حججی که خوب بود اما با انجام بوسیدن پای مادر و مستحبات و اردوهای جهادی، عالی شد و به ما فهماند که نماز بهترین راه برای رسیدن به کمال انسانیت (شهادت) پس از معرفت به خداست، لذا ایجاد این فرهنگ و ترویج تفسیر نماز برای نوجوانان و جوانان آنها را از برکات نماز آگاه ساخته و آماده دفاع از میهن اسلامی می نماید و در زمان صلح هم ایشان را به یک انقلابی تبدیل می نماید.

منابع:

- ۱- قرآن کریم آیتی از سوره های مبارکه بقره، الاسرا، آل عمران، فاطر، کوثر، اعراف
- ۲- قرائتی، محسن، تفسیر نماز
- ۳- قرائتی، محسن، پرتوی از اسرار نماز
- ۴- سایت SHOHADA ۵۷.IR
- ۵- سایت برمدار بیست کهکشان، شهید نامه شهر آبدان و حومه
- ۶- تهذیب احکام جلد دوم پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۷- مصاحبه با اعضای موسسه سیره روایت شهدا
- ۸- کریمی کلیمانی، مجتبی، مقاله، ۱۳۹۶، نفوذ و راههای مقابله با آن
- ۹- سایت ERFAN.IR
- ۱۰- جعفری، فاطمه، مقاله، ۱۳۹۵، مقام شهید و آثار شهادت از منظر قرآن و روایات

